سرمقاله

ناکارآمدی نهادهای مبارزه با حوادث

محمدرضا هویدا

نزدیک به نیم قرن نابسامانی، آشوب و جنگ در افغانستان، زیربناهای این کشور را خراب کرده است. پس از طالبان، کشوری نیمه ویرانه با مشکلاتی بی شمار باقی مانده بود. حکومتی دموکراتیک که بر ویرانه های کشور بنا شده بود، نیز پس از اولین سالهای وجودش، نشانه های رفتن به سوی بیراهه را به نمایش گذاشت، و اقتصادی وابسته و حکومتی با اداراتی شدیدا فاسد، امید هر نوع بازسازی و آبادانی از کشور را گرفت. آخرین روزهای حکومت گذشته، ناقوس های هشدار از ناامنی، فقر، جنگ، فساد اداری بیشتر و ... به صدا در آمده بود.

برنامه ریزان اقتصادی و سیاسی و اجتماعی در این کشور، هر کدام بیشتر به اولویت هایی پرداخته اند که برای خودشان و یا سمت و جناح شان مهم بوده است. زیربناها همچنان ویرانه باقی مانده است. برنامه های بی هدف، بی سرانجام، بی بازده در سراسر کشور با استفاده از پول های بادآورده کمک های جهانی به اجرا در آمد، اما این برنامه ها همچنان که از اول نیز هدفی نداشتند به جای نرسیدند و تغییری در زندگی مردم آورده نتوانستند. برنامه هایی همچون همبستگی ملی که میلیونها دالر به مصرف رسانید، به جای ساختن روستاها و امکانات روستایی، در کارهای بی هدفی پول به مصرف رسانیدند. صدها هزار دالر در پروژه هایی به مصرف رسانیدند که نتیجه ای برای آن ها تعریف نشده بود و در بسا موارد حتا به دامن زدن اختلافات میان مردم و روستاها نقش داشته است.

افغانستان کشوری است که همواره در معرض حوادث طبیعی بوده است و هر فصل سال تهدیدی برای طبیعت و جان و مال مردم افغانستان است. بهار و آب خیزی ها و سیل و طوفان جان مردم را تهدید می کند، تابستان با آفت های طبیعی، زمستان با برفکوچ ها و سرمای شدید.

دولت افغانستان برای مبارزه با حوادث اداره ای مستقل داشت که آن را تا سرحد وزارت نیز ارتقا داد اما هرگز این اداره و وزارت برنامه ای برای مبارزه با حوادث افغانستان که بتواند جوابگوی مردم کشور باشد ندشته و ندارد. به گمان اغلب این اداره حتا از دسترسی به اطلاعات کامل و دقیق از حوادث کشور ناتوان است و توان پیش بینی دقیق آب و هوای کشور را برای چند هفته ندارد، چه برسد به اینکه بتواند نقشه و راهکاری برای مبارزه با حوادث داشته باشد.

ادارات محلی بی کفایت نیز در ادامه این سلسله سبب شده اند تا وسعت تخریب های حوادث طبیعی به بیشترین حد آن برسد. در روزهای اخیر که باران های شدید و سیلاب های ویرانگر دهها ولسوالی در کشور را متضرر ساخته است، میزان ناکارآمدی ادارات محلی و همین طور ادارات مرکزی مبارزه با حوادث را می توان تخمین زد. والیان و ولسوال ها در بلاتکلیفی و ادارات مرکزی نیز سکوت اختیار کرده اند و حتا میزان دقیق خساره ها را نمی توانند برآورد کنند.

در حالی که تهدیدها به بالاترین حد خود رسیده است، ادارات دولتی نه تنها اقداماتی برای حفظ جان و مال مردم نداشته اند بلکه حتا در دادن هشدارها به مردم نیز ناتوان بوده اند. این ادارات حد اقل می توانستند به مردم در مورد بروز سیلابها هشدار بدهند، تا مردم اقدامات پیشگیرانه ای اتخاذ کنند.

در حال حاضر نیز که میزان خسارات جانی و مالی مردم وسعت بیشتری یافته است، دولت و ادارات محلی باید تدابیری برای جلوگیری از گسترش آسیب ها و همچنین جبران خسارات رسیده به مردم باشند. در این میان خانواده ها زیادی هستند که تمامی مال و دارای و بعضی نیز شماری از اعضای فامیل خود را از دست داده اند و شدیدا نیاز به کمک های فوری و جدی دولت و سازمان های امدادرسان دارند.

نگرانی روز افزون از افزایش تلفات غیرنظامیان در کشور

عبدالله هروی

بر بنیاد گزارش ها یونامـا یا دفتر هیأت معاونت سازمان ملل متحد در افغانستان گزارش سه ماهه اول سال ۲۰۱۶ میلادی را در مورد تلفات افراد غیرنظامی در کشور را منتشر کرده و گفته است که این ارقام نشان دهنده افزایش بلند و دوامدار تلفات افراد غیرنظامی می باشد. این گزارش یوناما از اول جنوری تا سی و یکم مارچ سال ۲۰۱۶ میلادی را شامل می شود که ۱۹۴۳ مورد تلفات افراد غیرنظامی را در خود ثبت کرده است. در این مدت ۶۰۰ نفر غیرنظامی کشته و ۱۳۴۳ نفر دیگر زخمی شده‌اند. هرچند بنابه گفته یوناما در نگاه نخست این آمار نشان دهنده ۱۳ درصد کاهش در مرگ افراد غیرنظامی و ۱۱ درصد افزایش در زخمی شدن افراد غیرنظامی را نشان می دهد؛ اما به صورت کلی ۲ درصد افزایش را در مقایسه با همین دوره زمانی در سال گذشته میلادی را به نمایش می گذارد. دقت بر متن گزارش یاد شده نشان می دهد درگیری های زمینی بیشترین رقم تلفات افراد غیرنظامی را به خود اختصاص داده است و به دنبال آن، تلفات غیرنظامیان را در اثر مواد انفجاری جای گذاری شده، حملات پیچیده انتحاری و قتل های هدفمند در پی داشته است.

نکته قابل توجه در این گزارش آنست که در سه ماهه اول سال ۲۰۱۶ میلادی مخالفین مسلح دولت باعث ۶۰ درصد تلفات افراد غیرنظامی گردیده‌اند و نیروهای طرفدار دولت ۱۹ درصد تلفات افراد غیرنظامی را سبب شده اند. اضافه بر این، جنگ های بین طرف های متخاصم منجر به ۱۶ درصد تلفات شده است که نمی توان آن را به یک گروه خاص نسبت داد.

هم چنین در این گزارش اشاره شده است که افزایش تلفات افراد غیرنظامی بخاطر حملات هوایی نیروهای هوایی حکومت و نیروهای نظامی بین‌المللی در سه ماهه اول سال ۲۰۱۶ نگران کننده می باشد. چنانچه در این مدت زمانی، ۲۷ مورد تلفات در نتیجه حملات هوایی ثبت گردیده است که ۶ کشته و ۲۱ زخمی را شامل می‌شود.

در همین حال رییس واحد حقوق بشر دفتر یوناما در کابل نیز افزوده است که در سه ماهه اول سال ۲۰۱۶ میلادی، تقریباً یک سوم تلفات افراد غیرنظامی را کودکان تشکیل می‌دهند. وی در این زمینه هشدار می دهد که اگر جنگ پیرامون مکاتب، میدان های بازی، خانه ها و کلینیک ها ادامه یابد و طرف های درگیر استفاده از سلاح های انفجاری به ویژه هاوان و مواد منفجره جاسازی‌شده در این مناطق را متوقف نسازند، میزان تلفات غیرنظامیان، به خصوص زنان و کودکان به شدت افزایش خواهد یافت.

همانطور که از متن گزارش ها بدست آمد با تاسف مردم غیرنظامی بیشترین هزینه تلفات را پرداخته اند؛ و در میان غیرنظامیان، کودکان و زنان بیش از همه متحمل تلفات و خسارات جبران ناپذیری گردیده اند. در این باره باید یاد آورشد که متاسفانه افغانستان در طی چهار دهه گذشته میدان نبردهای خونین میان مخالفان مسلح دولت و نظامیان افغان و خارجی بوده است. اما آمار دقیق تلفات غیرنظامیان در این سال ها در دست نیست.اما حال پرسش اساسی این است که هدف عمده از کشتار مردم غیرنظامی چیست؟ وقتی جان ده ها کودک وزن و انسان های عادی که برای خرید و انجام امور روز مره زندگی، با انجام عملیات های نظامی و انتحاری و نیز حملات کور گرفته می شود کدام هدف نظامی و حکومتی و یا موقعیت استراتژیکی آماج قرار می گیرد؟ دیگر این که آیا جان انسان ها تا بدین اندازه بی ارزش شده است که برای رسیدن به هرهدفی از وقوع چنین کشتارهایی نباید اباء داشت؟ به نظر می رسد که چنین کشتارهای فجیعانه ای در هیچ آیین و مسلکی جایز دانسته نشده است. در این مورد به صراحت می توان گفت آنانی که بنام اسلام و شریعت دست به چنین کشتارهای فجیعانه می زنند هیچ درکی واقعی از اسلام و آموزه های آن نداشته و حتا آنان را می توان از دایره انسانیت خارج دانست. با اندک نظری بر نصوص و متون دینی می توان دریافت که کشتار انسان های بی طرف به هیچ وجه جایز دانسته نشده است، در این مورد بخصوص زمان‌ها و مکان‌هایی وجود دارند که از حرمت و قداست برخوردارند. این رویدادهای خونین، نمادی از شدت و عمق مسخ‌شدگی چنان جریان‌ها و اشخاص بی هویتی است که بدروغ و به بهانهٔ تأسیس حکومت و خلافت اسلامی ، جان بندگان خدا را هدف گرفته اند.

از جانب دیگر همانطور که در گزارش آمده است بخشی از تلفات غیرنظامیان به نیروهای امنیتی کشور بطور کل ارتباط می گیرد. اصولا چنین است که حکومت مسئولیت دارد که در ارتباط به حفظ جان مردم نهایت تلاش خود را بکار گرفته و روش های مناسب و مصئونیت بخشی را روی دست گیرد. اما این گزارش اشعار می دارد که بخشی از تلفات غیرنظامیان این دو کمبود را به‌آسانی می‌توان برطرف کرد. سیاستمداران نیرنگ‌آمیزانه اضطراب‌های ما را برمی‌انگیزند و سپس توهم‌هایی برای گریز از آن اضطراب‌ها به ما ارزانی می‌دارند.

راجر مانی-کیرله و روان‌شناسی تبلیغات

تا این اندازه بسیار کلی است. برای آنکه به شالوده‌ی مسئله برسیم خوب است به بینش‌هایی از روانکاو بریتانیایی راجر مانی-کیرله نگاهی بیفکنیم. مانی-کیرله در دهه‌ی ۱۹۲۰ انگلستان را او در آن زمان دکترایش در فلسفه را در دانشگاه کمبریج می‌گذراند ترک کرد و چهار سال در وین به سر برد تا در حالی که پژوهش فلسفی‌اش را زیر نظر موریس شلیک، سرکرده‌ی حلقه‌ی وین، دنبال می‌کرد، روانکاوی را هم با فروید تجربه کند. طی این دوره، او از آلمان دیدن کرد و به یک گردهمایی که هیتلر و گوئبلز در آن سخنرانی داشتند رفت. این رویداد تأثیری ژرف بر او نهاد.

مانی-کیرله در نوشتاری در سال ۱۹۴۱ با نام «روانشناسی تبلیغات» توصیف روشنی از آن گردهمایی به دست می‌دهد. او می‌نویسد:

«سخنرانی‌ها تأثیرگذاری خاصی نداشتند. اما ازدحام جمعیت فراموش‌نشدنی بود. به نظر می‌رسید مردم فردیت‌شان را به‌تدریج از دست داده و به هیولایی نه‌چندان باهوش ولی بسیار قدرت‌مند تبدیل می‌شدند، هیولایی که کاملاً در کنترل سخنران بود و سخنران احساسات او را به چنان آسانی برمی‌انگیخت و تغییر می‌داد که گویی نوت‌های یک اُرگ غول‌پیکر بودند.»

برای ده دقیقه درباره‌ی رنج‌هایی شنیدیم که آلمان از زمان جنگ کشیده بود. به نظر می‌رسید هیولا از یک سور ترحم‌جویی لذت می‌برد. سپس برای ده دقیقه‌ی بعد یهودیان و سوسیال-دمکرات‌ها بانیان آن رنج‌ها شمرده شدند و شدیدترین فحاشی‌ها علیه آنها انجام شد. ترحم جای خود را به تنفر داد؛ و هیولا در شرف نسل‌کشی بود. اما آهنگ بار دیگر تغییر کرد؛ و این بار برای ده دقیقه درباره‌ی رشد جذب نازی شنیدیم و اینکه چگونه به قدرتی چیره تبدیل شده است. هیولا نسبت به اندازه‌اش خودآگاه شد و باور به همه‌توانی‌اش او را سرمست کرده بود . هیتلر در پایان شورانگیزانه همه‌ی آلمان‌ها را به اتحاد فراخواند.

مشاهده‌ی هیتلر و گوئبلز حین سخنرانی مانی-کیرله را به این ایده رساند که تبلیغات سیاسی وقتی اثرگذار است که تبلیغ‌گران مخاطبان‌شان را متقاعد کنند که نیاز دارند از سرنوشتی شوم رهایی یابند. نخستین گام برانگیختن احساس بی‌چارگی است این احساس که آینده تاریک است و اینکه آنها در این باره تقصیرکاراند. گام بعدی این است که مخاطبان را متقاعد کرده از جانب دشمنان قدرتمند خارجی و دشمنان خیانت‌کار داخلی تهدید می‌شوند و از این راه حس پارانویایی ترس و تنفر را در آنها پدید آورد. همین‌که آنها کاملاً در احساس بی‌پناهی غوطه‌ور شدند و به سطح وابستگی کودکانه رسیدند، تبلیغ‌گر چیره‌دست خود یا هدف‌اش را راه راست و درست به‌سوی رهایی می‌نمایاند: «او پرتوان است و باید از آنها محافظت کند. او وجدان آنها ست؛ و هرچه او بگوید بی‌چون‌وچرا درست است.»

«ترامپ، ترامپ، ترامپ، ترامپ»

اکنون، در پرتو تحلیلی که مانی-کیرله به دست داد، سخنرانی دانلد ترامپ در شانزدهم جون ۲۰۱۵ را ملاحظه کنید سخنرانی‌ای که در آن او خود را برای نامزدیِ جمهوری‌خواهان پیشنهاد کرد. او نخست احساس ترس و ناکامی را برانگیخت. او به آهنگ بلند گفت «کشور ما در دردسر بزرگی گرفتار آمده است. ما دیگر پیروزی نداریم. پیش‌تر پیروزی‌هایی داشتیم اما اکنون نداریم. آخرین باری که مثلاً چین را در رابطه‌ی تجاری شکست داریم کی بود؟ آنها ما را می‌کشند . آنها به ما می‌خندند، به حماقت‌مان. و اکنون آنها ما را در اقتصاد در هم می‌کوبند.»

پس از آفریدن فضایی تاریک به حالت پارانویا می‌رسد و آمریکایی‌های خوب را قربانیِ بیگانگان غارتگر نشان می‌دهد.

سیاستِ توهم: از سقراط و روانکاوی تا دانلد ترامپ

دیوید لیوینگستون اسمیث / برگردان: ر. رمضانی/ منبع: رادیو زمانه /قسمت پایانی

وقتی مکزیک مردمانش را به آمریکا می‌فرستد به‌ترین‌شان را نمی‌فرستد . مردمانی را می‌فرستد که مشکلات بسیاری دارند و آن مشکلات را برای ما می‌آورند. آنها مواد مخدر می‌آورند. آنها جرم و جنایت می‌آورند. آنها تجاوز جنسی می‌کنند . از جاهای دیگر هم می‌آید. از همه‌ی کشورهای آمریکای جنوبی و لاتین، و احتمالاً احتمالاً از خاورمیانه. اما ما نمی‌دانیم. چون هیچ محافظی نداریم و نه هیچ صلاحیتی، ما نمی‌دانیم چه روی می‌دهد.

سپس، او که خبرهای بد آورده است نوش‌دارویش را رو می‌کند. نجات دست‌یافتنی است. خطرها دور خواهند شد. مشکلات برطرف خواهند شد.

اکنون کشور ما نیاز به رهبری بزرگ دارد، و ما اکنون به رهبری بزرگ نیاز داریم. ما نیاز به رهبری داریم که «هنر معامله» را نوشته باشد. به رهبری نیاز داریم که بتواند شغل‌ها را به ما برگرداند، بتواند تولید را به ما برگرداند، نیروی نظامی ما را به ما برگرداند، از سربازان ما محافظت کند. سربازان ما به حال خود رها شده‌اند . ما به کسی نیاز داریم که ایالات متحده را بی‌آبرویی نجات دهد و آن را دوباره بزرگ گرداند.

پس از تکرار چندباره‌ی دو بخش نخست و کشاندن مخاطبانش به شوری فزاینده (فریاد «ما ترامپ را می‌خواهیم» و «ترامپ، ترامپ، ترامپ، ترامپ»)، او نتیجه می‌گیرد «شوربختانه رؤیای آمریکایی مرده است. اما اگر من رئیس‌جمهور منتخب شوم آن را بزرگ‌تر و به‌تر و نیرومندتر از همیشه باز خواهم گرداند، و ما دوباره آمریکا را بزرگ خواهیم گرداند.»

ضرورت مقاومت در برابر توهم

طی سال آینده، سیلی از ترزبانیِ سیاسی ما آمریکایی‌ها را فرا خواهد گرفت. من امیدوارم بینش‌هایی که سقراط، فروید، و مانی-کیرله ارائه کردند شما را یاری بخشد بتوانید در برابر توهم سیاسی مقاومت کنید، خواسته‌های خود را مشخص کنید، و با تمیز و موشکافی گفتار سیاسی را مصرف کنید؛ نه‌تنها گفتار آن سیاستمدارانی که قبول‌شان ندارید، بلکه همچنین، شاید مهم‌تر از همه، گفتار سیاستمدارانی که ترزبانیِ سیاسی‌شان همدردیِ شما را به خود جلب می‌کند.

کارتون روز

بدون شرح

روزنامه افغانستان The Daily Afghanistan
Daily Outlook Afghanistan The Leading Independent Newspaper

❑صاحب امتیاز: داکتر حسین یاسا
❑مدیر مسوول: محمد رضا هویدا ۰۷۹۸۳۴۱۸۶۱
❑سردبیر : حفیظ الله زکی ۰۷۹۹۱۵۷۳۷۱
❑ کاریکاتوریست: خالق علی زاده
❑دیزاین:علی‌اصغر زاهدی، مصطفی جعفری
❑مسئول وب سایت: غلام عباس اصلان
❑آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر V- ۱۳۷

روزنامهٔ‌افغانستان از همهٔ دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید.
هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد.
مقالات وارده بازگردانده نمی شود.
مسئولیت مقالات به عهدهٔ نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله بیانگر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.
روزنامه افغانستان بخش دری و پشتوی روزنامه اوت لوک افغانستان است.
www.dailyafghanistan.com
Email: thedailyafghanistan@yahoo.com